

از: دکتر پرویز صانعی

ضرورت استفاده از روش قضیه‌ای در آموزش حقوق

بدیهی است که جز از طریق تمرین و ممارست، مهارت و تخصص بدست نمی‌آید. برای آنکه شخصی علاقمند، نقاش شود، علاوه بر مطالعات و فراگیری اصول ترکیب رنگها و تجسم بعدها و فاصله‌ها، باید عملاً هم قلم بدست بگیرد و نقاشی کند، تا بتدریج ورزیده شود و بتواند آنچه را که می‌بیند و احساس می‌کند بر پرده نقاشی تصویر نماید. فراگیری هر تخصص دیگری نیز بهمین ترتیب مستلزم تمرین عملی و تسلط یافتن بر دقایق و ریزه کاریهای حرفه بخصوص است. هر پزشک باید عملاً بمسد اوای بیماران بپردازد، هر مهندس باید عملاً به ساختن مشغول شود، و هر داوطلب نواختن موسیقی باید ساعتها در نواختن ساز مورد علاقه خود تمرین کند، تا هر يك در رشته مورد علاقه خود به مهارت و استادی برسد.

با توجه به این واقعیات شکی نیست که تعلیم و تربیت هر رشته و حرفه خاص، باید علاوه بر طرح کلیات و اصول نظری، جنبه‌های علمی کار را نیز برای دانشجو مطرح کند و هر چه بیشتر که ممکن، وسایل ایجاد مهارت و تخصص لازم در دانش آموز و دانشجو

را نیز شامل باشد. در رشته حقوق، همانگونه که خواهیم دید رسیدن به این هدف مستلزم استفاده از روش قضیه‌ای در آموزش رشته‌ها و مواد مختلف درسی است.

بنابراین تعریف و باتوجه به نیازهای عملی حرفه‌ای، «حقوقدان» کسی است که بتواند با فکر خلاقه مواد قانونی را تفسیر و تعبیر کند و برای مشکلات و مسائل عملی راه حل عادلانه و قطعی بیابد. در عین حال میدانیم که مشکلات حقوقی، مانند هر مشکل انسانی دیگر، در بسیاری از موارد بیسابقه و منحصر بفرد است و معمولاً نمی‌توان با استناد به کلیاتی که در کتابهای حقوقی مطرح میشود، راه‌حلی صحیح و مناسب برای اینگونه مشکلات پیدا کرد.

دنیای خارج و عوامل و امور آن همیشه در حال تغییر و تحول است، در حالی که اصول کلی و ضوابط عمومی که در کتابها می‌آید لزوماً ثابت باقی می‌ماند و از این نظر کمک چندانی به حل مسائل عملی روزمره نمیکند.

باین ترتیب علاوه بر اطلاعات حرفه‌ای، چیزی که بخصوص برای دانشجویان حقوق ضرورت دارد و اهمیت آن بمراتب از فراگیری اصول و ضوابط کلی بیشتر است قدرت استدلال، فکر انتقادی، توانایی در طرح و بررسی جنبه‌های مختلف هر مسأله، و بطور کلی «حل مشکل» باتوجه به همه جوانب و شرایط مربوط به دعاوی طرح شده است. باتوجه به این مراتب روشن است که تعلیم و تربیت حقوقی لزوماً باید با استفاده از قضایای واقعی یا فرضی بمنظور پرورش فکر انتقادی و قدرت تخیل و استدلال در دانشجویان توأم باشد. نظریات و اصول کلی که در دروسهای مختلف به دانشجویان آموخته میشود، در فاصله‌ای کمتر یا بیشتر از خاطر میرود و چیزی که باقی میماند، اگر ایجاد شده باشد، همین توانایی و استعداد در «حل مشکل» و بشکل کلی تر، «خلاقیت فکری و عاطفی» است. دانشجوی نمی‌تواند و نباید هر چه را که فرا میگیرد در خاطر نگذارد. اصرار و فشار در بخاطر زنگ‌آهنگ داشتن کلیاتی که دانشجویان فرامیگیرند، مخصوصاً اگر باین تصور غلط همراه باشد که این آموخته‌ها همه مشکلات عملی او را در آینده حل خواهد کرد، باعث جمود و مانع خلاقیت فکری میشود، زیرا که خلاقیت مستلزم آزاد فکری و

توانایی در انحراف جستن از ضوابط و اصولی است که کلی و قطعی تصور میشود. به علاوه همانگونه که اشاره کردیم، مشکلات عملی روزمره را که هر آن شکل و ماهیتی جدید و متنوع پیدا می‌کند، نمی‌توان با استناد به اصول و قواعد کلی حل کرد. پس اگر قرار باشد باتوجه به نیازهای عملی دانشجوی در آینده، نه تنها بعنوان حقوق‌دان بلکه همینطور بعنوان يك عضو منبذ و موفق اجتماع که باید برای مسائل غیر حقوقی خود هم راه حل پیدا کند، و مسائل آموزش و تربیت مفید و مناسب او را فراهم آوریم، لازم است که هم در محتوای دروس و هم در روش تدریس تجدید نظر کنیم. در این مقاله صرفاً به توضیح و تشریح روش قضیه‌ای و لزوم استفاده از آن در آموزش حقوق می‌پردازیم.

«روش قضیه‌ای» سالها است که در علوم مختلف مورد استفاده بوده است. علوم پزشکی و مهندسی، حتی علوم مثل ریاضیات را جزا طریق مصادیق و شواهد عملی نمیتوان بخوبی فراگرفت. در علوم اجتماعی، مخصوصاً اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی و حقوق هم «روش قضیه‌ای» سالها است که بعنوان وسیله مؤثر آموزش مورد استفاده قرار گرفته است. روش قضیه‌ای بدان معنی است که استاد نمونه‌هایی از مسائل متنوع درس خود را برای شاگردان مطرح میکند و از آنها میخواهد که همراه او در کلاس، جنبه‌های مختلف مسائل را در نظر آورند و با توجه به برداشتهای ممکن به استدلال بپردازند.

با این تعریف، روش قضیه‌ای در ایران ریشه‌های قدیم تاریخی دارد. زیرا که فقه اسلامی، همانند هر حقوق عرفی دیگر، با استفاده از همین روش آموخته میشده است. کتابهای فقهی پراز «مسائل» گوناگونی است که مورد بمورد نقل و جواب مسأله با استفاده از کتاب آسمانی، نظائمه یا اخبار و احادیث ارائه شده است. به علاوه در مدارس مذهبی روش بحث و استدلال متداول بوده و دانشجویان در فراگیری دروس و طرح مسائل در مقابل استاد از همین روش استفاده کرده‌اند. در دانشکده‌های حقوق هم استادان خوب و برجسته برای تفهیم مطالب همیشه از مثال و نمونه استفاده میکنند و

این امر در مسئولیت شرکت تغییری بوجود میآورد؟
۵- اگر بجای بچه‌هایی که در حیاط خلوت بازی میکردند شخص بالغی که سیگار خود را آتش میزد، با این عمل باعث انفجار شده بود و خود او سایرین مجروح شده بودند، آیا این امر در مسئولیت شرکت تأثیری می‌گذاشت؟

همانگونه که ملاحظه میشود، با طرح و بررسی «قضیه‌ای» شبیه آنچه که در بالا نقل شد، دانشجویان می‌گیرند که فکر خود را بکار اندازند، جنبه‌های مختلف قضیه را بشناسند و برای رسیدن به هدف خاص خود استدلال نمایند. بطور خلاصه با استفاده از این روش دانشجوی «شم قضائی» و قدرت فکری پیدا میکنند و با ممارست در بحث‌های منطقی باتوجه به ریزه کاریهای مختلف، صاحب خلاقیت فکری میشوند. باین ترتیب اگر استاد بتواند در دروسهای مختلف علاوه بر طرح مسائل کلی، از قضایای عملی که باید با سؤالات مختلف توأم باشد، استفاده کند، نه تنها شکل واقعی دعاوی حقوقی را بدانشجویان آموزش دهد و این نظر را برانیز او را با نیازهای حرفه‌ایش آشنا میسازد، بلکه ضمناً باعث تقویت قدرت تفکر و استدلال او نیز میشود، بطوری که چیزی بر وجود خود دانشجوی افزوده می‌گردد و بعد از آنکه مطالب آموخته شده طی مدت کمتری بیشتر از خاطر او رفت، موهبتی ارزنده یعنی قدرت تفکر و استدلال که کلید حل مسائل حقوقی و سایر مسائل شخصی و اجتماعی او خواهد بود، برایش باقی می‌ماند و او را در برخورداری از یک زندگی سازنده و ثمر بخش راهنمایی میکند. البته می‌دانیم که در حقوق ایران، قاضی مجبور به تبعیت از آراء و نظرات سایر محاکم در دعاوی مشابه نیست. از این جهت استفاده از روش قضیه‌ای، یعنی طرح دعاوی واقعی در کلاس درس، لزوماً وسیله آموزش شکل عملی و واقعی حقوق نخواهد بود.

باینوصف طرح قضایا چنانچه با بحث و استدلال از جهات و جنبه‌های مختلف توأم باشد، بدون شك وسیله تشحید ذهن، تقویت قوه ابتکار و خلاقیت فکری در دانشجویان خواهد بود. از طرف دیگر استفاده صحیح از روش قضیه‌ای مستلزم آن است که خود

جالب این است که هرچند بسیاری از مطالب کلی و تجربیدی درس استادان از خاطرها رفته است، ولی بسیاری از مثالها که معرف یک قاعده خاص حقوقی بوده، در خاطر باقی است و می‌تواند راهبر دانشجو در یافتن راه‌حلهای عملی برای مشکلات حقوقی باشد.

برای آنکه منظور از روش قضیه‌ای کاملاً روشن شود قضیه‌ای را که خود من در کلاس حقوق جزا مطرح کرده‌ام و با دانشجویان از جهات مختلف درباره آن به بحث و استدلال پرداخته‌ایم ذیلاً نقل می‌کنم.

ادارات شرکت ساختمانی «دوراندیش» در طبقه اول یک ساختمان قرار دارد. در کنار این ساختمان راهروئی است که به حیاط پشت ساختمان منتهی میشود. در این حیاط خلوت که هم شرکت دوراندیش و هم همسایه‌های طبقه دوم حق استفاده از آنرا دارند، کودکان مستأجرین طبقه دوم بازی میکنند. شرکت دوراندیش یکی از کامیونهای خود را که از کار افتاده است در راهروی کنار ساختمان بترتیبی قرار میدهد که قسمتی از آن در حیاط خلوت واقع میشود. این کامیون در حدود چهار ماه در این محل باقی می‌ماند. چرخها، صندلیها و بعضی از سایر لوازم آنرا خود شرکت برداشته است، بطوریکه قابل استفاده بصورت یک وسیله نقلیه نیست. یک روز یکی از کودکان در یک بازی با بر میدارد و بجای آن نمی‌گذارد. مدتی بعد کودک دیگری دوسنگ چخماق را که در کامیون قرار داشت بر میدارد و در نزدیکی مخزن بنزین بهم میساید. در نتیجه انفجاری روی میدهد و تعدادی از کودکان بسختی مجروح میشوند.

۱- اگر شما دادستان بودید در مورد مسئولیت جزائی شرکت دوراندیش از نظر «بی احتیاطی و بی میلانی» چطور استدلال میکردید؟

۲- اگر وکیل شرکت بودید بچه‌ترتیب استدلال مینمودید؟

۳- اگر کامیون فقط برای مدت ۵ روز در آن محل قرار داشت که انفجار روی میداد آیا این امر در مسئولیت شرکت تغییری بوجود میآورد؟

۴- اگر کامیون در شرایطی که قابل استفاده بود در آن محل گذاشته شده بود، آیا

۳- روش قضیه‌ای برای دانشجویان و پرتحرک است. به علاوه چون مسائل عملی سر و کار دارد، بعکس ضوابط و اصول کلی که بزور در ذهن دانشجویان میگیرند، بآسانی در خاطر باقی میماند و تحمیلی بدانشجو تلقی نمی‌شود.

۴- اصطلاحات و بحث‌های حقوقی را دانشجویان در متن مصداق عملی علم حقوق یعنی دعاوی طرح شده، فرا میگیرند و این به مراتب از تشریح مسائل نظری از طریق تعاریف کلی و مفاهیم مجرد سهلتر و آموزنده‌تر است. درک مفهوم «بی احتیاطی و بی مبالائی» از طریق و در متن دعاوی که ما در کلاس درس حقوق جزا مطرح کردیم به مراتب آسانتر و عمیقتر از آنست که این مفهوم ضمن عبارات کلی و تجریدی برای دانشجوی توضیح داده شود.

۵- فکر انتقادی و «شم قضائی» دانشجویان از طریق مطالعه و بررسی قضایای متنوع و متفاوت تقویت میشود.

۶- روش قضیه‌ای استاد را نیز مشغول و مجبور به مطالعه بیشتر میکند. در روش قضیه‌ای این امکان وجود ندارد که استاد سالیهای متمادی جزوه درسی خود را بدون هیچگونه تغییر و تحول و بدون آنکه در معرض بحث و انتقاد قرار گیرد، برای دانشجویان بازگو کند. چرا که در روش قضیه‌ای استاد باید همیشه از نظر فکری آماده و دقیق باشد تا در جریان مباحثه با دانشجویان با طرح و ادامه بحث و استدلالهای منطقی، توجه و علاقه آنان را زنده نگاهدارد.

۷- بالاخره در روش قضیه‌ای غالباً استاد هم از بحث‌ها و استدلال‌هایی که در کلاس صورت می‌گیرد چیزی نمی‌آموزد و در عقاید خود تجدید نظر نمیکند. اصول و نظریات کلی، مخصوصاً اگر از تجربه زنده يك اجتماع خاص، بصورت استقرار حاصل نشده و از فرهنگ و اجتماعی دیگر اقتباس شده باشد، بشکلی فریب‌آمیز، درست و منطقی و ابدی جلوه میکند و در معرض ارزیابی و بررسی صحیح قرار نمیگیرد، در حالیکه همین نظریات کلی چنانچه باتوجه به واقعیات و قضایای عملی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، ماهیت واقعی خود را نشان میدهد و چه بسا بی‌پایگی و نادرستی آن، از نظر نیازها و شرایط خاص يك

دانشجویان در کلاس درس بی‌بحث و بررسی جنبه‌های مختلف هر دعوی به‌درازا نهد و بجای آنکه تنها بشکلی انفعالی به «پذیرش» و سپس حفظ کردن مطالب حاضر و آماده استاد مشغول باشند، خود در امر فراگیری شرکت کنند و بدینک مستقیم مطالب و مسائل ناآشنا را فرا بگیرند. دانش روانشناسی و تجربه نشان داده است که وقتی خود ما بشکلی فعال در فراگیری و شناخت مسائل سهمیم باشیم، به حقایق عمیقتری از واقعیات دست می‌یابیم، و درک و شناخت مسائل در ذهنمان دوام و بقاء بیشتری پیدا می‌کند. بقول یکی از استادان آمریکائی «با روش قضیه‌ای» دانشجویان آنکه تعاریف حاضر و آماده را فرا گیرند اموری را که باید تعریف شود، مستقیماً مورد مطالعه قرار میدهند و وقتی این امور را درک میکنند احتیاج به تعریف مسائل ندارد. روش قضیه‌ای برای تقویت و تفکر مستقل و خلاقه طرح‌ریزی شده است.

روش قضیه‌ای از جهت دیگر نیز بر روشهای معمول آموزش حقوق رجحان دارد. قضایای حقوقی علاقه و توجه دانشجویان را برمی‌انگیزد و به مراتب از فراگیری اصول و ضوابط کلی از طریق سخنرانی استاد جالبتر و آموزنده‌تر است. به علاوه، همانگونه که اشاره شد، روش قضیه‌ای بدانشجو یاد میدهد که چگونه بحل مشکل بپردازد و گفتیم که این مهمترین سرمایه حقوقدانان در انجام اموری است که به حرفه و تخصص او ارتباط پیدا میکنند.

باتوجه به بحث‌هایی که رفت بطور کلی میتوان مزایا و فوائد زیر را برای روش قضیه‌ای قائل شد.

۱- روش قضیه‌ای با روشی که وکیل و قاضی دادگستری در بررسی و حل دعاوی بکار می‌برند کاملاً تطبیق میکند و از اینرو دانشجویان با نیازهای حرفه‌ای او در آینده آشنا می‌سازد.

۲- روش قضیه‌ای باعث میشود که دانشجو-و خود به نتیجه‌گیری و استقرار اصول کلی حقوقی از طریق مثالها و شواهد واقعی بپردازد و به استقلال فکر و نظر برسد.

از: دکتر سید حسن امامی

باب اول - نظریه علیت یا خطر

نظریه مزبور مبتنی بر آنست که هر عمل زیان آور بخودی خود مرتکب راسخول جبران آن قرار میدهد، زیرا زیان زننده برخلاف عدالت موجب تلف مال و کاستن دارائی دیگری شده و تجاوز بحقوق او نموده است و باید آنرا جبران نماید تا تعادل قبلی برقرار گردد و عدالت اجتماعی ایجاب رفع بی عدالتی را بنماید و از ضعیف در مقابل قوی حمایت کند. نظریه مزبور از نظر مادی و فردی زیان دیده مورد توجه قرار گرفته است نه از لحاظ روانی مرتکب و اجتماعی. در این نظریه برای مطالبه جبران خسارت ناشی از عمل غیر، کافی میباشد که متضرر توجه خسارت و عمل خوانده را که موجب خسارت شده است ثابت کند.

پیروان نظریه علیت همگی یکسان ارتکاب عمل را بطور مطلق موجب مسئولیت فاعل ندانسته اند بلکه بعضی عمل غیر عادی *Anormal* را سبب میدانند که آن بالمال به نظریه تقصیر میپیوندد، برخی دیگر عملی را موجب مسئولیت میدانند که نفعی از آن برای مرتکب تصور شود.

اجتماع بخصوص، باسانی برملا میشود. و در این مرحله و از این راه است که استاد هم در کلاس درس بتعلیم میبرد و از دهم متقابلاً چیزی می آموزد.

باتوجه به مطالبی که آمد ضرورت استفاده از روش قضیه ای در آموزش حقوق، مخصوصاً اگر تعلیم حقوق بعنوان يك فعاليت منطقی و هدف - گرا مورد نظر باشد، روشن میشود و امید است استادان حقوق بموازات طرح مسائل کلی و نظری درس خود بیش از پیش از قضایای واقعی و ابتکاری برای تفهیم مطالب و بحث کلاسی استفاده کنند. البته آرائی که از محاکم مختلف صادر شده ممکن است راهنما و پایه خوبی برای شروع کار نباشد، زیرا که این آراء معمولاً تفصیل وقایع را شامل نیست - بعلاوه از يك نظر بخصوص، یعنی حل و فصل دعوی موجود، صادر شده است. در حالیکه هدف ما در استفاده از دعاوی و قضایا، بیشتر جنبه آموزشی دارد. بنابراین باید آرای موجود را بشکلی تغییر داد که سئوالات متعدد و گاه متضاد برای دانشجو مطرح شود و در صورتیکه چنین آرائی در اختیار نداشته باشیم می توانیم خود به ابداع و ساختن دعاوی فرضی، از جهت امر تعلیم حقوقی، بپردازیم. با این امید که روش قضیه ای که روش منطقی و معقول آموزشی هر علم، منجمد علوم اجتماعی است، مورد توجه خاص اساتید محترم و دانشجویان علاقمند قرار گیرد.